وضعيت طلاق و برخي عوامل مؤثّر بر آن در افراد مطلقه ساكن در منطقه دولت آباد

دكتر مرجان قطبي*، دكتر كوروش هلاكويي نايييني**،
دكتر ابوالقاسم جزايري***، دكتر عباس رحيمي****

براساس ارزيابي جامعة منطقة دولت آباد، مشكلات عمده اي شامل بحران بلوغ، كودكان خيابانـي، مشكلات خانوادگي، مسائل تربيتي بچه ها و افزايش پديدة طلاق به عنوان مشكلات خاص منطقه مطرح شد و وضعيت طلاق به منظور ارائة اطلاعات به مشاوران و مقامات مسئول همچنين براي دست يابي به مهم ترين روش هاي پيشگيري و حل مهم ترين مشكلات پس از آن بررسي و انتخاب شد . در اين بررسي ضمن بهره‌گيري از روش مصاحبه با افراد مطلقه و

* پزشك، MPH، مسئول گروه پيشگيري و مبارزه با بيماري‌هاي مركز بهداشت غرب تهران. <mdmgh2002@yahoo.com>
** متخصص اپيدميولوژي، دانشيار گروه اپيدميولوژي، معاون انستيتو تحقيقات بهداشتي دانشكدة بهداشت دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني تهران.
*** متخصص تغذيه و علوم غذايي، استاد گروه تغذيه، معاون آموزشي دانشكدة بهداشت دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني تهران.
**** متخصص آمار حياتي و مربي گروه آمار، اپيدميولوژي دانشكدة بهداشت دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

تكميل پرسشنامه، تأثير متغيرهاي زمينه اي بر مدت زندگي مشترك و مشكلات پس از طلاق با استفاده از روش آزمون بقا Kaplan-Meier و تست log-rank مورد مطالعه قرار گرفت . از بين 45 زن و 24 مرد شركت‌كننده در مطالعه، بيش‌ترين فراواني گروه سني آن ها در محدودة 26 تا 35 سال و ميانگين مدت زندگي مشترك 62 ماه (با انحراف معيار 68/2) بوده است. ميانگين سني هنگام طلاق در زنان 24/6±2/6 و در مردان 29/8±3 سال بوده است. تحليل آزمون بقا نشان داد كه احتمال رخ داد طلاق پس از 100 ماه زندگي مشترك در افرادي كه ازدواج تحميلي را به عنوان يك عامل مهم منجر به طلاق ذكر كرده‌اند حدود 99 درصد و در افرادي كه اين عامل در طلاق آن ها نقشي نداشته است 22 درصد بوده است.

گروه سني افراد مطالعه شده، ميانگين سني هنگام طلاق، تعداد فرزندان زوجين، شيوة آشنايي (از بين متغيرهاي زمينه اي) و ازدواج تحميلي (از بين علل منجر به طلاق)، با ميانگين مدت زندگي مشترك ارتباط آماري معني‌داري داشته است. پس از طلاق زنان بيش‌تر با والدين و مردان بيش تر به تنهايي زندگي مي‌كردند. عدم تفاهم اخلاقي (83 درصد)، اعتياد (42 درصد) و دخالت خانواده ها (33 درصد) شايع‌ترين عوامل منجر به طلاق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

بوده اند. مشكلات مالي (30 درصد) و بيم اري‌هاي رواني (24 درصد) موارد بعدي هستند.
از بين مشكلات پس از طلاق، مشكلات تربيت فرزندان و احساس تنهايي در گروه هاي سني بالاتر شايع‌تر بوده است. وجود مشكلات تربيتي فرزندان با تعداد آن ها ارتباط مستقيمي داشت. شدت مشكلات در ازدواج هاي فاميلي كم‌تر از ساير مو ارد بوده است . عدم امنيت اجتماعي در زنان بارزتر و احساس افسردگي در مردان شايع تر بوده است . به نظر افراد تحت مطالعه، بهترين راه پيشگيري از طلاق، انتخاب درست همسر است و روش بعدي را مشاوره با متخصصان ذكر كرده اند.

كليد واژه ها: ايران، دولت‌آباد، طلاق

مقدمه

محلة دولت آباد به دليل بافت خاص جمعيتي، مهاجرپذيري و فرهنگ اجتماعي ويژة آن، در تابستان 1382 به عنوان منطقه انتخابي مورد مطالعه گروه كارآموزي دورة MPH مورد توجه قرار گرفت. براساس يافته هاي ارزيابي جامعه، آسيب هاي اجتماعي، مشكلات بلوغ جوانان و اختلاف هاي خانوادگي از مهم ترين مشكلات اين منطقه محسوب مي‌شود كه همگي مرتبط با عدم انسجام خانوادگي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

هستند. ضمن اين كه مشكلات ديگري نظير بي‌توجهي به تغذيه و تربيت كودكان نيز در اين منطقه ديده مي‌شد كه مي تواند به نوعي با مشكلات خانوادگي منجر به طلاق، در ارتباط باشد . بناب‌راين پديدة طلاق به عنوان يكي از عوامل زمينه اي ايجاد بحران اجتماعي در منطقه، در كانون توجه قرار گرفت.

تحقيق حاضر با توجه به روند رو به رشد طلاق در كشور بخصوص در جوامع شهري و در حاشيه شهرها، شكل گرفت و براساس نياز مطالعه اي به منظور بررسي علل و عوامل مؤثر ب ر طلاق مورد توجه واقع شد. در اين تحقيق ضمن بررسي مشخصات فردي و خانوادگي گروه مطلقة ساكن منطقة دولت‌آباد تهران نظير سن، تحصيلات و شغل، ديدگاه هاي مختلف آن ها در خصوص پديدة طلاق (از نظر علل، عواقب و نوع نگرش فردي به آن) جمع‌آوري شده است. بررسي نظرية شخصي و م شكلات فعلي افرادي كه از نزديك با اين واقعه برخورد داشته اند و مطالعة راه كارهاي پيش‌گيري آن از زبان خودشان، مي تواند در ارائة پيشنهاداتي براي كاهش مشكلات ناشي از طلاق در جامعه و مهم تر از آن راه كارهايي براي پيش گيري طلاق مؤثر باشد. ضمن اين كه انعكاس اين نظريات و راه‌كارها مي‌تواند براي پرداختن به معضلات جامعة حاشيه‌نشين ـ كه امروزه همچنان در حال رشد و توسعه است ـ استفاده شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

1) اهميت موضوع

تحولات اجتماعي دهه هاي گذشته در سطح جهاني، نظام‌هاي خانواده را با تغييرات، چالش ها، مسائل و نيازهاي جديد و متنوعي مو اجه كرده و طي همين مدت خانواده به شكلي فزاينده به علل و عوامل متعدد و پيچيده اي در معرض تهديد قرار گرفته است. وقتي كاركردهاي خانواده، از قبيل كاركردهاي زيستي، اجتماعي، شناختي و عاطفي يكي پس از ديگري آسيب مي بيند، اعضاي آن به تدريج احساس رضايت‌مندي خود را ا ز دست مي دهند. كاهش تدريجي رضايت‌مندي اعضاي خانواده، ابتدا موجب گسستگي رواني و سپس گسستگي اجتماعي و در نهايت واقعه حقوقي مي شود كه اين گسستگي طلاق ناميده مي‌شود (پل. ر. آماتو، 1998).

طلاق با تمام كم و كاستي اش، مهم ترين تهديد عليه بنيان خانواده به شمار مي رود و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولويت هاي بهداشت روان به شمار مي آيد. طلاق اگرچه به چاره سازي يك ازدواج اشتباه يا حفظ بقاياي يك خانواده از هم پاشيده، پا در ميان مي گذارد اما هم چون توفاني آشيانة كودكان را در هم مي كوبد، قامت زن را مي‌شكند و مرد را به زانو درمي آورد. اين توفان، خود زائيدة ناروايي هاي ديگري است كه هيچ يك اجتنابناپذير نيستند . علل طلاق در كشورهاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اروپايي و آمريكايي، ضعف در برقراري ارتباطات، مشكلات مالي، نداشتن احساس مسئوليت، بي وفايي و خيانت، برآورده نشدن انتظارات، اعتياد و سوءمصرف مواد، سوءاستفاده جنسي فيزيكي يا روحي و نداشتن توانايي حل مشكل ذكر شده است (Driscoll, 1996). تعداد كودكان طلاق در آمريكا از سال 1900 تا 1972 به 7 برابر (Kenniston 1977) و تعداد كودكان زير 18 سال تك‌والدي از 1970 تا 1996 از 12 درصد به 28 درصد رسيده است (saulter & Lugaila 1998). ازدواج مجدد پس از طلاق نيز امر رايجي است؛ به طوري كه بيش از نيمي از افراد مطلقه مجدداً ازدواج مي‌كنند. اما آمار جدايي در اين وصلت ها نيز بسيار بالاست. در نتيجه از هر 6 بزرگسال يك نفر دوبار طلاق را تجربه مي كند. براساس گزارش ادارة ثبت اسناد آمريكا در سال 1998 هر سال بيش از يك ميليون كودك طلاق را تجربه مي كنند كه نيمي از آن‌ها زير 18 سال سن دارند (saulter & Lugaila 1998). نرخ بالاي طلاق و نيز افزايش ميزان تولد در ميان افرادي كه بدون ازدواج رسمي با هم زندگي مي‌كنند، به اين معناست كه حداقل نيمي از بچه ها بايد در خانواده اي تك‌والدي (كه معمولاً در آن فقط مادر حضور دارد) زندگي كنند. از هر هفت كودك، يك نفر با يك والد و يك والدخوانده، و از هر سه كودك، يك نفر تا پيش از سن نوزده سالگي با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

والدخوانده زندگي مي كند. در كانادا ميزان طلاق در عرض 30 سال گذشته به 6 برابر رسيده است و حدود يك سوم ازدواج ها منجر به طلاق مي شود. همچنين يك پنجم كودكان در خانواده هاي از هم گسسته زندگي مي‌كنند (Rotheisler, 1997).

2) روش مطالعه

2ـ1) نوع مطالعه

اين طرح بصورت مطالعة مقطعي (Cross sectional) در ميان جمعيت ساكن در منطقة دولت‌آباد طراحي و اجرا شده است.

2ـ2) روش نمونه‌گيري

براساس ارزيابي منطقه و امكانات و توانمندي هاي موجود، روش نمونه گيري بر مبناي منطقة تحت پوشش هر رابط بهداشتي مركز بهداشت درماني شهيد يغمايي و رابطين ديگري كه در سطح منطقه (خارج از محدوده طرح رابطين) انتخاب شده اند، به كار بسته شده و براساس فرمول $N=\frac{(Z_{1-\alpha/2})^2 p(1-p)}{d^2}$ و با محاسبة α=%90 ، P=1/3d و P=0/0025 و با اعمال ضريب جامعه محدود، حجم نمونه، 49 مورد تعيين شده است، اما در طي مطالعه كليه افرادي كه به پرسشنامه ها پاسخ داده اند بررسي شده اند (69 مورد).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

2ـ3) جمعيت مورد مطالعه

افراد مطلقه، در منطقه دولت آباد ساكن هستند كه به كمك رابطين طرح، شناسايي شده و براي تكميل پرسشنامه اعلام رضايت و آمادگي كرده اند.

2ـ4) متغيرها

مدت زندگي مشترك به عنوان متغير وابستة اصلي در نظر گرفته شد و سپس با عوامل زمينه اي (جنس، گروه سني، شغل، ميزان تحصيلات، نحوة آشنايي، تعداد فرزندان، علت متاركه، نحوة متاركه و سن هنگام طلاق) بررسي شد . متغيرهاي وابستة فرعي (وضعيت زندگي فعلي، رضايت از شرايط فعلي زندگي، مشكلات پس از طلاق و ارائة راه كارهاي پيشگيري از طلاق) در مرحلة دوم ارتباط آن‌ها با عوامل زمينه‌اي كه خود با متغير وابسته اصلي ارتباط معني‌داري داشتند، بررسي شدند.

2ـ5) روش اجرا

قبل از اجراي طرح اصلي، 10 پرسشنامه براي آزمون اوليه بين رابطان بهداشتي مركز بهداشتي درماني توزيع شد و براساس نتايج آن، پرسشنامة اوليه مجدداً ارزيابي و تصحيح شد. پس از تصحيح نهايي، به تعداد سه برابر حجم نمونه، پرسشنامه تكثير و بين رابطان توزيع شد . رابطان اجرايي طي مصاحبة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اوليه با افراد مطلقة شناسايي شده، در صورت رضايت آن ها، پرسشنامة طرح را بين آن ها توزيع كرده و پس از دريافت پرسشنامة تكميل شده در پاكته اي دربسته، آن ها را به صورت محرمانه جمع آوري و در فواصل زمان‌بندي شده به محقق تحويل دادند.

6ـ2) روش تحليل

داده هاي موجود در پرسشنامه هاي جمع آوري شده وارد برنامة نرم افزاري SPSS 12 شد و اطلاعات نهايي براساس اهداف طرح تحليل و بررسي شد. براي تعيين ارتباط بين متغير وابستة مدت زندگي مشترك با عوامل زمينه اي، در مرحلة اول از روش آناليز بقا Kaplan-Meier و آزمون log-rank استفاده شد و در مرحلة بعدي با استفاده از آزمون chi^2 عواملي كه از نظر آماري با مدت زندگي مشترك ارتباط معني داري داشتند، با ساير متغيرهاي وابسته (نحوة زندگي پس از طلاق و ميزان رضايت از آن و ارائة راه‌كارهاي پيش گيري از طرف گروه تحت مطالعه) مقايسه و بررسي شدند. در مواردي كه فرض هاي آزمون chi^2 تأمين نبودند از آزمون Exact استفاده شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

3) نتايج

45 زن و 24 مرد پرسشنامه ها را تكميل كرده بودند و در يك مورد جنسيت نامشخص بود. بيش از 41 درصد افراد مورد مطالعه در سنين 26ـ35 قرار داشته اند. سپس به ترتيب، سنين 36ـ45 و 16ـ25 قرار مي‌گيرند. ميانگين سني هنگام طلاق در زنان 24/6±2/6 و در مردان 29/8±3 سال بوده است.

تحصيلات در مقطع دبيرستان، بيشترين فراواني را در مردان گروه مطالعه نشان مي دهد. پس از آن مقطع ابتدايي و سپس ديپلم به بالا قرار داشته است؛ در حالي كه در زنان، تحصيلاتِ ديپلم و بالاتر از آن بيش ترين فراواني را در ميزان تحصيلات افراد تحت مطالعه نشان مي‌داده و تحصيلات ابتدايي كم‌ترين ميزان را دارا بوده است . در مي ان زنان تحت مطالعه، بيش ترين شغل را خانه داري تشكيل مي‌داد. و در گروه مردان افراد كارگر و يا «شغل‌آزاد» بيشترين فراواني را دارا بوده اند. 38 درصد خانوارهاي تحت مطالعه فرزندي نداشته اند؛ 26 درصد داراي يك فرزند و 26 درصد دو فرزند يا بيشتر داشته اند. 11 درص‌د موارد به اين سؤال پاسخي نداده اند. مدت زندگي مشترك در 33 درصد خانوارها بين 1ـ4 سال بوده است. پس از آن 5ـ9 سال (با 20 درصد موارد) بيشترين فراواني را داشته اند 7 خانوار بيش از 120ماه (10 سال) با هم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

زندگي كرده اند. بيشترين روش آشنايي زوجين از طريق معرفي آشنايان (60 درصد موارد) بوده است. 13 درصد موارد، ازدواج فاميلي و بقيه به صورت آشنايي خود زوجين (در محل كار، تحصيل يا زندگي) بوده است. حدود نيمي از موارد طلاق با تفاهم طرفين انجام شده است و 43 درصد از طريق دادگاه بوده است كه 30 درصد به درخواست زن و 13 درصد به درخواست مرد انجام شده است. 75 درصد موارد سابقة طلاق در خانوادة خود را ذكر نكرده اند. در 19 درصد خانوارها اين سابقه مثبت بوده است كه 16 درصد در بستگان درجة يك و 3 درصد در ساير بستگان ذكر شده است.

حدود يك سوم از افراد مطالعه شده پس از طلاق به تنهايي زندگي مي‌كرده‌اند. ازدواج مجدد و زندگي با والدين نيز هر يك، حدود يك سوم موارد را تشكيل مي‌داده است و نحوة زندگي پس از طلاق با P value=0/014 بين زن و مرد تفاوت داشت. زنان بيشتر با والدين و مردان بيشتر به تنهايي زندگي مي‌كرده‌اند. اين تفاوت در باب ازدواج مجدد بي ن دو جنس ارتباط معني داري نشان نداده است. نيمي از افراد از وضعيت فعلي خود به طور نسبي و 37 درصد از آن‌ها كاملاً رضايت داشته‌اند. 9 درصد آن‌ها از وضعيت خود راضي نبوده اند و 2 مورد (3 درصد) به اين سؤال پاسخي نداده اند. اين متغير نسبي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

تفاوتي در زن و مرد ندارد . نيمي از افراد مطالعه شده، از طلاق به عنوان روش خوبي براي پايان دادن به مشكلات زندگي مشترك ياد كرده اند در حالي كه حدود 34 درصد آن ها علي رغم انتخاب اين روش، آن را راه حل مناسبي ندانسته اند.

گروه سني افراد مطالعه شده، ميانگين سني هنگام طلاق، تعداد فرزندان زوجين و شيوة آشنايي (از بين متغيرهاي زمينه اي) و ازدواج تحميلي (از بين علل منجر به طلاق)، با ميانگين مدت زندگي مشترك ارتباط آماري معني داري داشته است. نتايج بررسي و تحليل بقا نشان داد كه احتمال رخ داد طلاق پس از 100 ماه زندگي مشترك:

الف) در خانوارهاي بدون فرزند و يا يك فرزند حدود 99 درصد و در زوجيني كه بيش از يك فرزند داشته اند 22 درصد بوده است؛

ب) در افرادي كه ازدواج تحميلي را به عنوان يك عامل مهم منجر به طلاق ذكر كرده اند حدود 99 درصد و در افرادي كه اين عامل در طلاق آن ها نقشي نداشته 22 درصد بوده است؛

ج) در گروه هاي سني بالاي 46 سال 50 درصد و در گروه هاي سني زير 25 سال 90 درصد بوده است.

د) در زوجيني كه از طريق معرف با هم آشنا شده بودند، 60 درصد و در زوجيني كه در محل كار يا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

تحصيل و ساير روش ها آشنا شده اند 90 درصد بوده است.

در بررسي عوامل منجر به طلاق در خانوارهاي تحت مطالعه، به هر عامل براساس شدت عوامل مختلف منجر به طلاق، از امتياز 0 تا 2 داده شد و خانوارها در سه گروه با علل خفيف، متوسط و شديد دسته‌بندي شده اند. علل تخفيف در 7 درصد علل متوسط در 63 درصد و علل شديد در 30 درصد خانوارها ديده شد. از بين عوامل بررسي شده، طبق اظهار 31 خانوار، عدم تفاهم اخلاقي به عنوان اولين عامل منجر به طلاق، نقش بسيار موثري داشته است. پس از آن اعتياد با 47 و دخالت خانواده ها با 43 امتياز در رده هاي بعدي فراواني قرار داشته‌اند. مشكلات مالي و بيماري‌هاي رواني نيز در رتبه‌هاي بعدي قرار گرفته‌اند (جدول 1).

جدول 1: بررسي علل منجر به طلاق در افراد مطلقة ساكن در منطقة دولت‌آباد ـ تابستان 1382

علت متاركه	تعداد پاسخها			جمع امتياز
	هيچ (0)	كم (1)	زياد (2)	
عدم تفاهم اخلاقي	28	11	31	73
ازدواج تحميلي	58	5	7	19
مشكلات مالي	49	7	14	35
بيكاري مرد	55	5	10	25

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اعتياد	44	3	23	47
دخالت خانواده ها	44	9	17	43
مشكلات جنسي	62	3	5	13
نازايي يكي از زوجين	69	0	1	2
بيماري‌هاي جسمي	64	0	6	12
ازدواج دوم مرد	67	0	3	6
خيانت همسر	64	0	6	12
بيماري رواني همسر	57	4	9	22
بدگماني همسر	56	10	4	18

مشكلات پس از طلاق نيز در هريك از خانوارها بررسي و براساس وجود و شدت به هر يك از مشكلات از صفر تا 2 امتياز داده شده است سپس وجود مشكلات به صورت خفيف (17 درصد)، متوسط (52 درصد) و شديد (31 درصد) طبقه‌بندي شده است . احساس تنهايي و افسردگي بيش ترين مشكلات اين افراد پس از طلاق بوده است . مشكلات مالي و تربيت فرزندان نيز در رده هاي بعدي فراواني قرار داشته است . عدم امنيت اجتماعي با P value=0/001 در زنان بارزتر بوده و احساس افسردگي با P value=0/03 در مردان مشكل شايع تري بوده است . ساير مشكلات بين زن و مرد اختلاف معني داري ن دارد. مشكلات تربيت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

فرزندان (P value=0/009) و احساس تنهايي (P =0/04 value) در گروه هاي سني بالاتر شايع تر بوده است . مشكلات تربيت فرزندان با تعداد فرزندان ارتباط معنيداري داشته است . (P value=0/000). شدت مشكلات در ازدواج هاي فاميلي كم تر و در افرادي كه با ساير روش ها آشنا شده اند بيشتر بوده است . نظر افراد تحت مطالعه، بهترين راه پيش گيري از طلاق، انتخاب درست همسر است و سپس مشاوره با متخصصان ذكر كرده اند. ساير روش ها در جدول 2 مقايسه شده اند.

جدول 2: رده‌بندي مشكلات پس از طلاق در افراد مطلقة ساكن دولت‌آباد در تابستان 1382

مشكلات پس از طلاق	تعداد پاسخ‌ها			جمع امتياز
	هيچ (0)	كم (1)	زياد (2)	
مشكلات مالي	56	4	10	24
تربيت فرزندان	50	1	19	39
احساس افسردگي	41	6	23	52
عدم امنيت اجتماعي	54	4	12	28
احساس تنهايي	39	3	28	57

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

4) بحث

انتخاب يك جامعه محدود براي تحقيق، با توجه به ويژگي‌هاي خاص آن منطقه، امكان مداخله براي رسيدن به اهداف پيش گيري را در جامعه مورد نظر فراهم خواهد كرد؛ و ارائة يافته هاي آن به مسئولان منطقه، كاربرد پژوهش در بررسي مشكلات منطقه را عملي خواهد كرد. پژوهش‌هاي مشابه قبلي (در باب طلاق) همگي براساس مطالعة پرونده هاي ثبت شدة دادگستري و اطلاعات حقوقي انجام شده بود و روش تكميل پرسشنامه براي افرادي كه خاطرات تجربة تلخ زندگي مشترك خود را مرور خواهند كرد، در ابتدا با نگراني هايي توأم بود و آن، با امكان عدم همكاري گروه هدف بود. در حالي كه همكاري نسبتاً مناسب گروه هدف در جمع آوري اطلاعات، مي‌تواند مطرح كنندة اين فرضيه باشد كه افراد مطلقه ـ به خصوص در اقشار پايين جامعه ـ نياز به ابراز مسائل خصوصي و بيان مشكلات خود دارند. در اين بررسي بيش ترين گروه سني 26ـ35 سال بوده است كه با برخي مطالعات قبلي مطابقت دارد. در مطالعة تيم كاهش طلاق مستقر در دادگاه خانوادة دادگستري شهر ري نيز، بيش ترين فراواني مراجعان متقاضي طلاق در دامنه سني 20 الي 35 سال گزارش شده است (شهربانو كامراني، 1381). ميانگين سني افراد تحت مطالعة اين تحقيق كم تر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

از ميانگين سني تحقيق سال 1378 در پرونده هاي ثبت شدة دادگستري شهر تهران (منوچهر غلامحسين گودرزي، 1378)، و تقريباً مطابق با نتايج طرح تحقيقاتي امور اجتماعي ادارة كل بهزيستي در استان آذربايجان شرقي (پريسا مقيمي نام، 1381) است. به نظر مي‌رسد در سال هاي اخير ميانگين سني هنگام طلاق در حال كاهش است كه ابعاد تازه اي را در پرداختن به اين معضل اجتماعي و نياز به بررسي‌هاي دقيق تر را مطرح مي كند. مدت زندگي مشترك در نيمي از موارد بين 1ـ4 سال بوده است و ميانگين آن 5/3 سال است. اين يافته نيز مطابق با مطالعات قبلي (شهربانو كامراني، 1381؛ ام البنين داورپناه، 1366؛ پريسا مقيمي‌نام، 1381؛ بيژن شعبان‌خاني، 1372) است.

در اين تحقيق، بين مدت زندگي مشترك با تحصيلات و شغل افراد تحت مطالعه رابطة معني داري ديده نشده است، در حالي كه براساس مطالعة تعيين علل طلاق و بررسي اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در تهران در سال 1378 (منوچهر غلامحسين گودرزي، 1378)، سطح تحصيلات با طول مدت زندگي ارتباط داشته و سطح تحصيلات زنان مطلقه بيشتر از مردان بوده است.

در گروه مطالعه شده با افزايش تعداد فرزندان، ميزان طلاق كاهش يافته است كه با نتايج قبلي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مطابقت دارد. با توجه به نتايج مطالعات قبلي و نظرية كلي جامعه (سهيلا بيگلرخاني، 1382) كه ازدواج فاميلي را روشي براي شناخت و انتخاب بهتر مي‌دانند، حدود يك چهارم افراد تحت مطالعه، با اين شرايط هم ناچار به طلاق شده‌اند.

باتوجه به تفاوت هاي نوع زندگي پس از طلاق در زن و مرد، با افزايش ميزان طلاق در سطح جامعه، تغييراتي در الگوي «ازدواج مادام العمر» به «چند ازدواج» كه در فواصل آن ها شخص تجرد را نيز تجربه مي‌كند، اتفاق خواهد افتاد و همين عامل موجب بروز تغييرات اساسي در نحوة تأمين نيازهاي اجتماعي و فرهنگي افراد، بخصوص فرزندان اين‌گونه خانواده‌ها، در طي زندگ ي خواهد شد . افزايش فروپاشي خانواده، مفاهيم ضمني عمده اي را براي محيطهايي كه بچه‌ها در آن پرورش يافته و اجتماعي مي‌شوند، دربردارد.

در خصوص عوامل منجر به طلاق، با مرور منابع راجع‌به طلاق مي توان به اين نتيجه دست يافت كه شبكه‌اي از علت‌هاي به هم پيوسته گرداگ رد طلاق را فراگرفته و بر آن تأثير مي‌گذارد كه نقش و اهميت آن‌ها در جوامع و فرهنگ هاي مختلف متفاوت است . نكتة مهم ديگر در بررسي منابع، محدوديت تعداد مطالعات داخلي است كه به پيامدهاي ناشي از طلاق و اثرات مستقيم و غيرمستقيم آن در جامعه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مي‌پردازد. 55 مطالعه در خصوص طلاق و ابعاد مختلف اجتماعي و فرهنگي آن در قالب پايان‌نامه در سايت مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران مربوط به وزارت تحقيقات، علوم و فن‌آوري ثبت شده است كه تنها دو مورد آن به عواقب طلاق پرداخته است.

در اين مطالعه، عدم تفاهم اخلاقي به عنوان اولين عامل در 58 مورد (83 درصد) از خانوارها اشاره شده است كه در 34 مورد (71 درصد) از آن‌ها نقش بسيار مؤثّري در طلاق داشته است كه با نتايج مطالعات قبلي مطابقت دارد (منوچهر غلامحسين گودرزي، 1378؛ حسين مددي، 1380). پس از آن اعتياد با 42 درصد و دخالت خانواده ها با 33 درصد موارد در رده هاي بعدي فراواني قرار دارند. مشكلات مالي (30 درصد) و بيماري هاي رواني (24 درصد) در رتبه هاي بعدي قرار گرفته اند. برخلاف برخي مطالعات (پريسا مقيمي‌نام، 1381)، در اين مطالعه مسائل معنوي بخصوص آسيب هاي اجتماعي و مسائل فرهنگي كه منجر به عدم تفاهم و دخالت خانواده‌ها در زندگي زوجين مي شود نقش بسيار مهم‌تري از مسايل مادي ايفا كرده اند. نكتة مهم ديگر وجود بيماري هاي رواني به عنوان يكي از عوامل مهم منجر به طلاق است؛ درحالي‌كه بسياري از اين بيماري ها با مداخله و مشاورة تخصصي قابل پيش‌گيري و كنترل هستند. ميزان دسترسي خانواده ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

به خدمات مشاوره اي و تغيير نگرش جامعه به ضرورت آن مي‌تواند به عنوان عوامل تسهيل كنندة اين امر مطرح باشد.

از بين مشكلات پس از طلاق، احساس تنهايي و افسردگي (هريك با 41 درصد موارد) بيشترين مشكلات افراد تحت مطالعه پس از طلاق بوده اند. مشكلات مالي و تربيت فرزندان نيز در رده هاي بعدي فراواني قرار دارند . اين يافته ها با نتايج مطالعات دهة 90 در انگليس مطابقت دارد (پل. ر. آماتو، 1998). به جز احساس افسردگي و عدم امنيت اجتماعي ساير مشكلات در زنان و مردان مشترك است. اين موارد ممكن است در شرايط ع ادي هم براي دو جنس متفاوت باشند.

به نظر افراد مطالعه شده، بهترين راه پيشگيري از طلاق، انتخاب درست همسر است . آنچه مسلم است اين انتخاب اگر براساس زيربناي فرهنگي و اعتقادي خانواده ها و توجه به مسايل معنوي و تربيتي باشد، نقش بسيار مؤثري در پيش گيري از طلاق د ارد. ضمن اين كه نقش ازدواج تحميلي در كوتاه كردن مدت زمان زندگي مشترك، نشان دهندة اهميت انتخاب ارادي همسر در ايجاد تفاهم و علاقمندي براي حل مشكلات بعدي زندگي است . از سوي ديگر در سنجش و ارزيابي نحوة آشنايي زوجين با مدت زمان زندگي مشترك، نقش مهم معرف مشخص مي‌شود

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

كه با ايجاد بشري براي شناخت مناسب و بهتر قبل از ازدواج توانسته است ارتباط معني‌داري بين اين موضوع و مدت زمان ازدواج طرفين ايجاد كند.

5) نتيجه‌گيري

با توجه به مهم ترين عوامل منجر به طلاق كه در اين تحقيق و مطالعات مشابه تا حدودي قابل مقايسه هستند، عدم تف اهم اخلاقي ناشي از شناخت نامناسب طرفين، اعتياد و ساير آسيب هاي اجتماعي نقش مهمي در فروپاشي خانواده ها داشته اند. براساس مطالعه و مقايسه اين علل، برخورد زيربنايي و اساسي با اين عوامل مي بايست از قبل از ازدواج شروع شود؛ ضمن اين كه مشاوران در شكل‌گيري نگرش مناسب اجتماعي به ازدواج و اهميت شناخت طرفين نقش بسيار مهمي خواهند داشت . راه‌كارهاي پيشنهادي اين مطالعه براي پيش‌گيري از طلاق در دو جنبة قبل و پس از ازدواج تقسيم بندي شده است:

1ـ5) قبل از ازدواج

راه‌كارهاي اين مرحله شامل اين موارد است: آموزش مهارت‌هاي زندگ ي، روش‌هاي تصميم گيري منطقي و روش‌هاي مقابله با بحران از دوران كودكي و اقدام به ازدواج پس از رسيدن به بلوغ رواني و كسب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

توانايي مالي و اقتصادي؛ توجه به آموزش هاي قبل از ازدواج و مشاوره براي انتخاب درست همسر : رعايت تفاوت سني و اصول هم كفو بودن (سطح فرهنگي، اقتصادي و اجتماعي)؛ توجه به امر تحقيق و بررسي روحيات زوجين قبل از ازدواج و حفظ استقلال تصميم‌گيري فردي ضمن احترام به نظريات و مشاورة خانواده؛ صداقت در روابط قبل از ازدواج و صرف زمان كافي و تلاش براي شناخت كافي طرفين.

2ـ5) پس از ازدواج

راه‌كارهاي مرحلة دوم چنين است: تدوين برنامه‌هاي آموزشي در زمينة مهارت هاي ارتباطي، شيوه‌هاي حل مسائل، شيوه هاي ابراز عواطف در كلاس هاي آموزشي خانواده به ويژه براي زوج‌هاي جوان؛ بهره‌گيري از مشاورة تخصصي گروه روان شناسي و مددكاري براي بهبود روابط و حفظ تفاهم براي حل مشكلات خانوادگي؛ توجه به بهداشت روان خانواده و بيماريابي به منظور درمان به موقع و كنترل بيماري‌هاي رواني بخصوص افسردگي.

براساس شايع ترين مشكلات پس از طلاق در اين مطالعه، مهم ترين روش هاي پيش‌گيري از پيامدهاي فردي و اجتماعي طلاق نيز به شرح زير، پيشنهاد مي‌شوند:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

الف) زمينه‌سازي فرهنگي براي پذيرش اجتماعي افراد مطلقه (بخصوص زنان) و توجه به بهداشت روان اين افراد و مشكلات رواني آنان؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ب) استفاده از نقش حمايتي والدين افراد مطلقه (بخصوص زنان) براي ارتقاي سلامت روان و كيفيت زندگي؛

ج) توجه به تغييرات اساسي در نحوة تأمين نيازهاي اجتماعي و فرهنگي فرزندان اين گونه خانواده ها؛

د) آموزش مهارت هاي خاص مقابله با بحران فرزندان طلاق.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
References

1ـ آماتو، پل. ر. (1998). ***پيامدهاي طلاق براي كودكان و بزرگسالان؛*** مترجم: مهناز مهرابي‌زادگان. روابط بين‌الملل انجمن اوليا و مربيان: چاپ اول. زمستان 1380.

2ـ بيگلرخاني، سهيلا. (1382). ***بحران در طلاق و ازدواج.*** ضميمة بهارانة همشهري.

3ـ داورپناه، ام البنين؛ ناصري، كيومرث. (1366)، ***بررسي آماري وضعيت طلاق در شهر تهران.*** پايان‌نامة كارشناسي ارشد. دانشكدة بهداشت، دانشگاه علوم پزشكي تهران.

4ـ شعبان‌خاني، بيژن؛ محمود ي، محمود. (1372). ***تعيين روند ازدواج و طلاق در دوران پس از انقلاب و تعيين عوامل موثر در زمان طلاق در تهران.*** پايان‌نامة كارشناسي ارشد. دانشكده بهداشت، دانشگاه علوم پزشكي تهران.

5ـ كامراني، شهربانو؛ اكبرپور، مليحه؛ سميعي، ايه. (1381). ***بررسي نتايج حاصل از آمار عملكرد شش ماهة تيم كاهش طلاق.*** بهزيستي شهرستان ري.

6ـ گودرزي، منوچهر غلامحسين؛ محمودي، محمود؛ (1378). ***تعيين علل طلاق و بررسي اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در تهران.*** پايان‌نامة كارشناسي ارشد. دانشكدة بهداشت، دانشگاه علوم پزشكي تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
References

7ـ مددي، حسين؛ فكر آزاد، حسين. (1380). ***بررسي علل تقاضاي طلاق زوجين (ديدگاه اقتصادي ـ اجتماعي) در شهرستان اراك در نيمة دوم سال 1378***. پايان‌نامه (كارشناسي ارشد). دانشگاه علوم بهزيستي و توان‌بخشي.

8ـ مقيمي‌نام. پريسا. (1382). ***گزارشي از طلاق در آذربايجان شرقي***. پيرامون. سال دوم، شمارة 25، صفحه 25.

9- Driscoll, Charles. E. (1996). **The Family Practicel Mosby**.

10- Kenniston, K. (1977). **All Our Children: The American Family Under Pressure**. Harcourt Brace Jovanovich. New York.

11- Rotheisler, T. (1977). **Alberta Report**.

12- Saulter, A. F. and Lugaila, T. A. (1998). **Marital Status and Living Arrangement: March 1996**, CENSUS BUREAU. P20-496

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]